

عیادت بیماران

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

یکی از فضائل اخلاقی و نشانه‌های اخلاق حسنه و حسن سلوک با مردم، عیادت بیمار است که در شرع مقدس اسلام در این باره اصرار فراوان شده است. عیادت بیمار از حقوقی است که مسلمانان بر یکدیگر دارند که لازم است نسبت به ادای آن خود را موظف بدانند.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای عیادت
- ۲ - ارتباطات عاطفی
- ۳ - عیادت از نظر روایات
 - ۳.۱ - حق مسلمان بر مسلمان دیگر
 - ۴ - اجر عیادت
 - ۴.۱ - دعایی از صحیفه
 - ۴.۲ - سبب استجاب حاجت
 - ۵ - آثار دنیوی و اخروی
 - ۵.۱ - اجر و رحمت الهی
 - ۵.۲ - بهره بردن از دعای بیماران
 - ۵.۳ - ملاقات خداوند
 - ۵.۴ - قضای حوائج شخصی
 - ۶ - وظایف و آداب عیادت‌کنندگان
 - ۶.۱ - اخلاص نیت
 - ۶.۲ - سپاس الهی
 - ۶.۳ - دعا نمودن برای بیمار
 - ۶.۴ - درخواست دعا از بیمار
 - ۶.۵ - تلاش برای رفع نیازهای بیمار
 - ۶.۶ - هدیه بردن برای بیمار
 - ۶.۷ - عیادت متناوب
 - ۶.۸ - کوتاهی درنگ در کنار بیمار
 - ۶.۹ - نخوردن در خانه بیمار
 - ۷ - آداب اخلاقی عیادت
 - ۷.۱ - تفقد عاطفی از بیمار
 - ۷.۲ - تقویت روحی
 - ۷.۳ - گفتگوهای سازنده با بیماران
 - ۷.۴ - عدم توقع پذیرایی
 - ۸ - عیادت‌های غیر لازم یا ممنوع
 - ۹ - پانویس
 - ۱۰ - منبع

۱ - معنای عیادت

[ویرایش]

عیادت در لغت به معنی رفتن به ملاقات کسی است و به علت کثرت استعمال، مخصوص ملاقات نمودن بیمار شده است.^[۱]

[ویرایش]

تقویت ارتباط عاطفی میان افراد جامعه اسلامی در راستای یاری همدیگر در رسیدن به کمالات انسانی از اهداف کلان و راهبردی شریعت نبوی است و «عیادت بیماران» یکی از ابزارهای تحقق این هدف کلان است که از طرفی بیمار رنجور را مرهم و تسکینی است و از طرف دیگر عیادت‌کننده به فضایل اخلاقی و تربیتی فراوانی خواهد رسید و در ضلع سوم نیز این روابط به تقویت ارتباطات میان فردی (بین دوستان) و میان‌گروهی (در خانواده‌ها) و از بین بردن کینه‌ها و دشمنی‌ها خواهد انجامید که این ارتباطات، اساس تعاون و وحدت و همدلی در سطح کلان جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند.

۳ - عیادت از نظر روایات

[ویرایش]

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور می‌دادند که بیماران را عیادت کنید^[۲] و عیادت بیمار را صدقه^[۳] و برتر از ثواب تشییع جنازه می‌دانستند.^[۴] امام علی (علیه‌السلام) عیادت بیماران را از بهترین کارهای نیک می‌دانستند.^[۵] لازم به ذکر است رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد عیادت از همسایگان بیمار^[۶] و در مورد عیادت مسکینان توجه خاص داشتند و خود نیز همواره از بینوایانی که بیمار می‌شدند عیادت می‌کردند.^[۷] بلکه حتی یک بیمار یهودی را نیز عیادت فرمودند.^[۸]

۳.۱ - حق مسلمان بر مسلمان دیگر

حضرت علی (علیه‌السلام) از قول رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «للمسلم علی اخیه ثلاثون حقاً لا براءة له منها الا بالاداء أو العفو یغفر زلته و یرحم عبرته... و یعود مرضته...»؛^[۹] هر مسلمانی نسبت به مسلمان دیگر سی حق دارد که باید آنها را انجام دهد و از این حقوق رهایی نخواهد یافت جز اینکه آنها را ادا کند و یا آنکه برادر مسلمانش از او درگذرد... و از جمله آنها این است که هنگام بیماری از او دیدن کند...» در حدیث دیگری می‌خوانیم که معلی بن خنیس می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود:

برای او هفت حق است که همه آنها بر عهده برادرش واجب است و اگر چیزی از آن حقوق را ضایع کند و وظیفه‌اش را انجام ندهد از ولایت و اطاعت خدا بیرون رفته و از بندگی خدا بهره‌ای نبرده است. عرض کردم: قربانت کردم، آن حقوق کدام است؟ فرمود: ای معلی! من بر تو نگرانم، می‌ترسم این حقوق را ضایع کنی و مراعات ننمایی، بدانی و عمل نکنی. عرض کردم: نیرویی جز از خدا نیست (امید آن دارم که با کمک خداوند بتوانم به وظیفه‌ام عمل کنم. امام صادق (علیه‌السلام) در این روایت هفت حق را برای او برشمرد و) فرمود: آسان‌ترین آن حقوق این است که آنچه برای خود دوست داری برای او هم دوست داشته باشی و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای او نیز نپسندی... و حق هفتم آن است که قسمش را ادا کنی (یعنی حقی (کفاره) که به وسیله قسم بر عهده او قرار گرفته است ادا نمایی) و دعوتش را بپذیری و در هنگام بیماری از او عیادت کنی.^[۱۰]

همچنین در حدیث دیگری آمده است که امام صادق (علیه‌السلام) از پدران بزرگوار خود نقل کرده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «للمؤمن علی المؤمن سبعة حقوق واجبة من الله عزوجل... و ان یعوده فی مرضه؛^[۱۱] [۱۲] مؤمن نسبت به مؤمن هفت حق دارد که باید ادا کند... و یکی از آنها دیدار او در حال بیماری است.» امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمودند: از حقوق هر مسلمان بر مسلمان دیگر این است وقتی بیمار شد او را عیادت کند.^[۱۳] از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که فرمود: «من حق المسلم علی المسلم اذا لقیه ان یسلم علیه و اذا مرض ان یعوده و اذا مات ان یشیع جنازته؛^[۱۴] حق مسلمان بر مسلمان آن است که وقتی او را ببیند سلام کند و چون بیمار شود از او عیادت نماید و هنگامی که بمیرد جنازه‌اش را تشییع کند.»

درباره ثواب عیادت بیمار نیز روایاتی رسیده است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. امام هشتم (علیه‌السلام) فرمود: «ایما مؤمن عاد اخاه فی مرضه فان کان حین یصبح شیعه سبعون الف ملک فاذا قعد عنده غمرته الرحمة و استغفروا له حتی یمسی و ان کان مساء کان له مثل ذلک حتی یصبح؛ [۱۵] هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری‌اش عیادت کند، اگر صبح باشد هفتاد هزار ملک او را تشییع (بدرقه و همراهی) کنند و چون نزد او بنشینند رحمت (خدا) او را فرا گیرد و تا شب برای او استغفار کنند، و اگر شب باشد همین اجر تا صبح برای او خواهد بود.»

در حدیث دیگری می‌خوانیم که رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «ایما مؤمن عاد مریضاً خاض فی الرحمة فاذا قعد عنده استنقع فیها فاذا عاده غدوة صلی علیه سبعون الف ملک الی ان یمسی و ان عاده عشية صلی علیه سبعون الف ملک حتی یصبح؛ [۱۶] هر مؤمنی که به دیدار بیماری برود در رحمت خدا وارد می‌شود و زمانی که نزد آن بیمار بنشینند در رحمت خدا فرو می‌رود. اگر صبحگاهان به عیادت او برود هفتاد هزار فرشته تا شام او را دعا می‌کنند و اگر شامگاهان از وی عیادت کند تا صبح هفتاد هزار فرشته به او دعا می‌کنند.»

در روایت دیگری از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که فرمود: «اذا عاد الرجل اخاه المسلم مشی فی خرافة الجنة حتی یجلس فاذا جلس غمرته الرحمة فان کان غدوة صلی علیه سبعون الف ملک حتی یصبح؛ [۱۷] شخصی که به عیادت برادر مسلمان خود می‌رود در میان میوه‌های چیده شده بهشتی راه می‌رود و هنگامی که نزد بیمار بنشینند رحمت خدا او را فرا می‌گیرد. اگر صبح به دیدن او برود تا روز دیگر هفتاد هزار فرشته بر او دعا می‌کنند.»

مرحوم سید رضی نیز در این‌باره روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل می‌کند که فرمود: «من عاد مریضاً لم یزل یخوض الرحمة حتی یجلس فاذا جلس اغتمس فیها؛ [۱۸] کسی که به عیادت بیمار می‌رود همیشه در میان رحمت الهی راه می‌رود تا بنشیند، آنگاه که نزد بیمار نشست غرق در رحمت خدا می‌گردد.»

از صحابه، خواجه‌ای بیمار شد **** و اندر آن بیماری او چون تار شد مصطفی آمد عیادت سوی او **** چون همه لطف و کرم بد خوی او در عیادت رفتن تو فایده است **** فایده آن باز بر تو عایده است. [۱۹]

۴.۱ - دعایی از صحیفه

به خاطر اهمیت این وظیفه سنگین و حق واجب است که حضرت سجاد (علیه‌السلام) آنگاه که همسایگان و دوستان خود را یاد می‌کند از خدای متعال به استغاثه می‌خواهد که به آنان توفیق دهد تا از بیماران خود عیادت کنند، آنجا که می‌گوید: «اللهم صل علی محمد و اله و تولنی فی جیرانی و موالئ العارفين بحقنا و المناذین لاعدائنا بافضل ولایتک و وفقهم لاقامة سنتک و الاخذ بمحاسن ادبک فی ارفاق ضعيفهم و سدّ خلّتهم و عیادة مريضهم....» [۲۰] خداوند! به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و مرا در ادای حقوق همسایگان و دوستانم که شناسای حق مایند و با دشمنان ما در ستیز هستند به برترین وجه یاری ده و توفیقشان عطا کن تا سنت‌های مقدس تو را بر پای دارند و به آداب پسندیده تربیت شوند و به آنان توفیق ده تا دست حمایت به سوی مستمندان پیش آورند و قوت خویش را در راه کمک ضعفا به کار برند، به دوستی تیره‌بختان برخیزند و از بیمارانشان عیادت کنند.»

۴.۲ - سبب استجاب حاجت

از برخی روایات استفاده می‌شود که دعا بر بالین بیمار به اجابت نزدیک‌تر است زیرا لطف و عنایت خاص خداوند به همراه دل‌های شکسته است و مؤمن بیمار از این فضیلت برخوردار می‌باشد:

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: روز قیامت خدای عزوجل بنده‌ای از بندگان خود را ملامت می‌کند و می‌فرماید: ای بنده من! چه چیز تو را بازداشت از عیادت من آن هنگام که بیمار شدم (چرا به عیادت من نیامدی)؟ عرض می‌کند: خدایا! تو خالق جهانی، درد و ناراحتی و مرض درباره تو معنا ندارد، تو منزهی از اینکه مریض شوی. می‌فرماید: برادر مؤمن تو بیمار شد و به عیادتش نرفتی. به عزت و جلالم سوگند، اگر به دیدنش می‌رفتی مرا نزد او می‌یافتی و هر حاجتی داشتی بر می‌آوردم و این به خاطر احترامی است که بنده مؤمن نزد من دارد و من خدای رحمان و رحیمم. [۲۱][۲۲]

مولوی این حدیث را به نظم در آورده است با این تفاوت که می‌گوید خدای متعال به حضرت موسی وحی کرد. آنگاه قسمت اول حدیث را تحت این عنوان «چرا به عیادت من نیامدی» به نظم درآورده و می‌گوید:

آمد از حق سوی موسی این عتیب **** کان طلوع ماه تو دیده زجیب

مشرقت کردم ز نور ایزدی **** من حقم رنجورگشتم نامدی
گفت سبحانا تو پاکی از زیان **** این چه رمز است این بکن یارب بیان
باز فرمودش که در رنجوریم **** چون نپرسیدی تو از روی کرم
گفت یارب نیست نقصانی تو را **** عقل گم شد این گره را برگشا
گفت آری بنده خاص گزین **** گشت رنجور او منم نیکو بین
هست معذوری من **** هست رنجوریش رنجوری من
هرکه خواهد همنشینی با خدا **** او نشیند در حضور اولیا^[۲۳]

۵ - آثار دنیوی و اخروی

[ویرایش]

برای عیادت بیمار آثار دنیوی و اخروی بسیاری ذکر شده است.

۵.۱ - اجر و رحمت الهی

اجر و رحمت الهی و تطهیر باطنی و روحی: زیرا امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس به دیدار مریضی رود در رحمت خدا وارد می‌شود و وقتی به بالین او برسد در رحمت الهی غوطه می‌خورد (و سراپای او را فرا می‌گیرد) و اگر این دیدار را در صبح، انجام دهد هفتاد هزار فرشته در تمام مدت بقیه روز بر او درود می‌فرستند و اگر در شب به عیادت آن بیمار رفته باشد هفتاد هزار فرشته بر او درود می‌فرستند تا صبح شود^[۲۴] و اجر هزار سال عمل صالح که در آن سالیان، یک لحظه معصیت الهی ننموده باشد به او عطا خواهد شد.
[۲۵]

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس عیادت بیماری را بکند هفتاد هزار فرشته از آسمان ندا می‌دهد که ای فلان! (او را با نام صدا می‌زند) پاک شدی و بهشت گوارایت باد.^[۲۶] رسول گرامی خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: برای هر قدمی که بر می‌دارد هفتاد میلیون نیکی نوشته می‌شود و هفتاد میلیون گناه او زوده می‌شود و هفتاد میلیون درجه بر مقامات او افزوده می‌شود و هفتاد میلیون فرشته در قبر با او همنشینی می‌کنند و برای او استغفار می‌کنند.^[۲۷] امام علی (علیه السلام) فرمودند: اگر عیادت‌کننده در راه عیادت بیمار از دنیا برود من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.^[۲۸]

۵.۲ - بهره بردن از دعای بیماران

همانطور که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از بیماران بخواهید دعایتان کنند، زیرا دعایشان چون فرشتگان است^[۲۹] و فرمودند: هر کس مریضی را برای خدا عیادت کند آن مریض هرچه از خدا بخواهد برای این فرد مستجاب می‌شود.^[۳۰]

۵.۳ - ملاقات خداوند

رسیدن به شرف ملاقات تجلیات الهی در جوار بیمار: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در روایتی بسیار عجیب فرمودند: خدای متعال در روز قیامت به بنده خود خطاب می‌کند که ای فرزند آدم! من بیمار شدم اما تو به عیادت من نیامدی! و او می‌گوید خدایا من چگونه به عیادت تو بیایم و حال آن که تو پروردگار تمام آفریده‌هایت هستی (و درد و بیماری در تو راهی ندارد^[۳۱])؟! و در پاسخ او، خدای متعال می‌فرماید: به یاد داری که بنده‌ام، بیمار شد و تو به عیادت او نرفتی؟ اگر به عیادت او می‌رفتی مرا در کنار او می‌یافتی.^[۳۲]

۵.۴ - قضای حوائج شخصی

خدای متعال می‌فرماید: من خود شخصاً به برآوردن حوائج عیادت‌کننده می‌پردازم.^[۳۳] البته خداوند حوائج همه عالم را شخصاً برآورده می‌فرماید و منزله است از یار و شریک داشتن ولی در این‌جا نوعی شرافت خاص را برای فرد بیان می‌کند.

۶ - وظایف و آداب عیادت‌کنندگان

[ویرایش]

برای عیادت‌کننده وظایف و آدابی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۶.۱ - اخلاص نیت

به این معنی که تلاش صورت گیرد تا ملاقات با انگیزه صرفاً الهی باشد، زیرا به‌طور کلی هیچ عملی نزد خدای متعال بدن قصد قربت ارزش ندارد و در برخی روایات رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی (علیهم‌السّلام) در مورد عیادت نیز تصریح به شرطیت این قصد در ترتب آن ارزش‌ها فرموده‌اند.^[۳۴]^[۳۵] و نیز به ابوذر دستور دادند که با انگیزه خالص و الهی به دیدن بیماران برود.^[۳۶] چه بسا ترتب آثار مذکور در فضیلت عیادت نیز منوط به نوع و مرتبه انگیزه باشد. (مانند انجام عیادت برای وجه الله و صرف رضای الهی، همانطور که در روایت است)^[۳۷] یا برای ثواب آخرت یا خوف از قطع رحم و رفتن به جهنم در عیادت ارحام که هر یک دارای درجه‌ای از اثر و فضیلت هستند.)^[۳۸] وضو گرفتن قبل از رفتن.^[۳۸]

۶.۲ - سپاس الهی

سپاس الهی به جهت عدم ابتلا به آن بیماری؛ همانطور که رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: هر کس هنگام دیدن بیماران، خدا را بر این‌که به آن بیماری مبتلا نشده شکر کند خدای متعال او را از آن بیماری تا همیشه حفظ می‌فرماید.^[۳۹] که البته فرمودند این دعا باید طوری باشد که به گوش بیمار نرسد مبادا سبب اندوه او شود.^[۴۰]

۶.۳ - دعا نمودن برای بیمار

زیرا رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از اهداف دستور خود جهت لزوم عیادت بیماران را دعا نمودن برای بیمار بیان فرمودند^[۴۱] و خود نیز هرگاه بیماری را عیادت می‌کرد دست راست خود را بر گونه راست یا بر سر بیمار نهاده و برای شفای او دعا می‌کردند.^[۴۲] رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «عودوا المرضى و اتبعوا الجنائز یدگرکم الاخرة و تدعوا للمریض، فتقول اللهم اشفه بشفائك و داوه بدوائک و عافه من بلائک؛^[۴۳] بیماران را عیادت کنید و در تشییع جنازه‌ها شرکت نمایید که این کار آخرت را به یاد شما می‌آورد و برای بیمار دعا کنید و بگویید: خدایا! او را به شفای خود شفا مرحمت کن و به دواى خویش مداوا فرما و از بلای خود او را در امان بدار.»
و در حدیث دیگری فرمود: «اذا دخل احدکم علی اخیه عائداً له فليدع له و ليطلب منه الدعاء فانّ دعائه مثل دعاء الملائكة؛^[۴۴] زمانی که یکی از شما به عیادت برادر دینی خود می‌رود باید برای او (بیمار) دعا کند و از او نیز بخواهد برای وی (عیادت‌کننده) دعا کند که دعای بیمار مثل فرشته است.»

۶.۴ - درخواست دعا از بیمار

زیرا امام صادق (علیه‌السّلام) فرمودند: دعای بیمار چون دعای فرشتگان است و مستجاب است پس هرگاه آنان را عیادت کردید

خواهید برای شما دعا کنند^[۴۵] و فرمودند: هر کس بیماری را صرفاً برای رضای الهی دیدار کند، هر دعایی که بیمار برای او کند مستجاب خواهد شد.^[۴۶]

۶.۵ - تلاش برای رفع نیازهای بیمار

زیرا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: هر کس حاجت آسیب‌دیده‌ای را بر عهده گیرد و آن را پی‌گیری کند تا برآورده نماید، خدای متعال برات دوری از جهنم و دوری از نفاق به او خواهد داد و هفتاد حاجت دنیوی او را برآورده فرموده و همواره در رحمت الهی غوطه خواهد خورد تا آن کار را تمام کند و هر کس در پی حاجت بیماری برود، چون روزی که از مادر متولد شده است از گناهانش پاک خواهد شد گرچه آن حاجت را نتواند برآورده کند و اگر آن بیمار از افراد خانواده‌اش باشد، اجر بیشتری دارد^[۴۷] و فرمود: هر کس اندوه و مشکلی از مسلمانی دور کند خدای متعال هفتاد و دو اندوه از اندوه‌های آخرت و هفتاد و دو اندوه از اندوه‌های دنیا را از او دور می‌کند^[۴۸] و خود نیز وقتی به دیدار یکی از اصحاب بیمار خود می‌روند و آن فرد تمایل به خوردن نان گندم داشت، دستور دادند کسی نان گندم برای او آورد و به ایشان اطعام نمودند.^[۴۹]

۶.۶ - هدیه بردن برای بیمار

بعضی از دوستان امام صادق (علیه‌السلام) به دیدن بیماری می‌رفتند. در بین راه به امام صادق (علیه‌السلام) برخوردند، فرمود: کجا می‌روید؟
- عیادت مریض.
- آیا برای مریض هدیه‌ای از قبیل سیب، به، اترج یا مقدار کمی عطر یا قطعه‌ای از عود با خود می‌برید؟
- نه.

مگر نمی‌دانید هدیه بردن مایه آرامش خاطر بیمار می‌شود؟^{[۵۰][۵۱][۵۲]}
همچنین رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره بردن هدیه برای بیمار فرمود: «من اطعم مریضاً شهوته اطعمه الله من ثمار الجنة؛^{[۵۳][۵۴]} هر کس بیماری را به آنچه که دوست دارد اطعام کند خداوند متعال از میوه‌های بهشت به او خواهد.»

۶.۷ - عیادت متناوب

رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: هر روز و مداوم به عیادت بیمار نروید بلکه با رفق و گاهی اوقات به دیدار بیمار بروید مگر این‌که بیمار حالش وخیم باشد.^[۵۵]

۶.۸ - کوتاهی درنگ در کنار بیمار

از نکته‌های دیگری که باید هنگام عیادت بیمار رعایت شود کوتاه کردن زمان عیادت بیمار است مگر اینکه خود او بخواهد. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرمود: «انّ من اعظم العوّاد اجراً عندالله لمن اذا عاد اخاه خفف الجلوس الا ان يكون المریض یحبّ ذلک و یریده؛^{[۵۶][۵۷]} از دیدارکنندگان بیمار آن کس بیشتر اجر می‌برد که کمتر نزد او بنشیند جز در صورتی که خود بیمار به ماندن مایل باشد.»^[۵۸]

بخصوص گاهی از اوقات که انسان به عیادت بیمار می‌رود ممکن است روی چهل و نادانی و جهات دیگر چندان بیمار را خسته کند که عیادت او از خود مرض رنج آورتر باشد.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «... فانّ عیادة النّوکی اشدّ علی المریض من وجعه؛^{[۵۹][۶۰]} ... دیدار نادان و احمق برای بیمار از خود مرض سخت‌تر و دشوارتر است.»

به همین جهت در حدیث دیگری فرمود: «اعظمکم اجراً فی العیادة اخفکم جلوساً؛^[۶۱] از عیادت‌کنندگان آن‌که کمتر نزد بیمار بنشینند،

۶.۹ - نخوردن در خانه بیمار

رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: این کار اجر او را از بین می‌برد.^[۶۲] البته احتمال دارد این توصیه به خاطر عدم زحمت برای بیمار در پذیرایی از افراد مختلف و حذف تشریفات این ملاقات‌ها - که به تضعیف اصل آن و ترک ارتباطاتی از این دست که مورد تأیید و تاکید فراوان روح حاکم بر تعالیم قرآنی - روایی است- صورت گرفته باشد، بنابراین در صورت فقدان این مشکل و خصوصاً درخواست بیمار ممکن است این نهی وجود نداشته باشد.

۷ - آداب اخلاقی عیادت

[ویرایش]

برای عیادت آدابی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۷.۱ - تفقد عاطفی از بیمار

از مراتب تکمیل عیادت بیمار این است که فرد عیادت‌کننده دست خود را بر روی دست یا پیشانی بیمار بگذارد و از احوال او سوال کند.^[۶۳] ارتباط‌شناسان این شیوه را ارتباط لمسی می‌نامند که از نظر آنان، موثرترین ابزار برای انتقال بسیاری از احساسات و عواطف و نشانه‌های علاقه و پذیرش و بلکه موثر در سلامتی فرد لمس شده است.^[۶۴]

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «تمام عیادة المریض ان یضع یده علیه و یساله کیف هو؛^[۶۵] عیادت کامل آن است که عیادت‌کننده دست روی بدن بیمار گذاشته و حال او را بپرسد.»

و نیز فرمود: «تمام عیادة المریض ان یضع احدکم یده علیه و یساله کیف انت؟ کیف اصبحت و کیف امسیت؟ و تمام تحیتکم المصافحة؛^[۶۶] عیادت کامل آن است که دستت را بر بدن بیمار نهی و از او احوالپرسی کنی، و کامل‌ترین درود و تحیت مصافحه کردن) دست یکدیگر را فشردن است.»

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرمود: «من تمام العیادة ان یضع العائدُ احدی یدی علی یدی المریض او علی جبهته؛^[۶۷] عیادت کامل آن است که عیادت‌کننده یک دست خود را روی دست‌های بیمار یا بر پیشانی او بگذارد.»

و نیز فرمود: «تمام العیادة للمریض ان تضع یدک علی ذراعیه و تعجل القیام من عنده؛^{[۶۸][۶۹]} بهترین عیادت این است که دست روی دست‌های بیمار بگذاری و زود برخیزی و بروی.»

۷.۲ - تقویت روحی

یکی دیگر از آداب عیادت بیمار این است که انسان او را دلداری دهد و روحیه‌اش را تقویت کند و با گفتن مطالبی (از این قبیل که بزودی کسالت و بیماریت برطرف خواهد شد، خدا به تو صحت و عافیت می‌دهد تا به زندگی خود ادامه دهی و...) به او آرامش خاطر ببخشد، چون بعضی از افراد هنگام بیماری روحیه خود را از دست می‌دهند تا آن حد که از زندگی مایوس می‌شوند، به این جهت باید آنها را امیدوار کرد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «اذا دخلتم علی المریض فنفسوا له فی الاجل فان ذلك لا یرد شیئاً و هو یطیب النفس؛^[۷۰] هنگامی که از بیمار دیدن می‌کنید او را به زندگی امیدوار سازید، این کار گرچه مقدرات را تغییر نمی‌دهد و مانع از مرگ نمی‌شود اما وسیله آرامش خاطر بیمار است.»

آن بزرگوار خود نیز وقتی بر بیماری وارد می‌شدند همواره می‌فرمودند: چیزی نیست، انشاءالله سبب تطهیر شما است.^[۷۱]

به همین جهت، وقتی آن بزرگوار به عیادت سلمان فارسی آمد و خواست از بالین او برخیزد فرمود: «یا سلمان کشف الله صرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک؛^[۷۲] ای سلمان! خداوند رنج تو را برطرف سازد و گناهت را ببخشد و دین و بدن تو

۷.۳ - گفتگوهای سازنده با بیماران

رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در عیادت‌های خود نه فقط تفقد عاطفی از بیماران می‌نمودند بلکه این فرصت را به زمینه‌ای برای اصلاح و تربیت آنان با القای معارفی در زمینه فلسفه بیماری، آثار بیماری در تعالی معنوی، نقش بیماری در تطهیر انسان از گناهان و... تبدیل می‌نمودند.^[۷۴]

۷.۴ - عدم توقع پذیرایی

از آنجا که هدف از عیادت بیمار اظهار محبت و ادای حقوق اخوت و کسب اجر و ثواب است کسی که به دیدن بیمار می‌رود نباید از او انتظار پذیرایی داشته باشد، زیرا بیمار خود گرفتار بیماری است و خانواده‌اش نیز گرفتار پرستاری از او هستند، بنابراین عیادت‌کنندگان خود باید به کمک آنها بشتابند نه آنکه زحمت افزا باشند و باری بر دوش آنها بگذارند. از این رو: «نهی رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ان یاکل العائد عند العلیل فیحبط الله اجر عیادته؛^{[۷۵][۷۶]} پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از خوردن چیزی نزد بیمار نهی کرده است زیرا این سبب می‌شود که پاداش خود را از بین ببرد.»

۸ - عیادت‌های غیر لازم یا ممنوع

[ویرایش]

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: عیادت تا سه روز لازم نیست.^[۷۷] رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: بیماری‌های رم (نوعی ورم چشم)^[۷۸] و دمل (نوعی ورم دردناک و برجسته).^[۷۹] و ضرس (درد دندان).^[۸۰] عیادت ندارند.^[۸۱] همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه شراب‌خوار بیمار شد به عیادت او نروید.^[۸۲] البته مخفی نیست این دستور برای اصلاح و تربیت آن فرد و محیط جامعه است نه این‌که بدون تعلیم و تربیت افراد مجوز چنین برخوردی در اولین مرتبه صادر شود، چرا که این رفتارهای خشک از روح سیره آن حضرت که حتی به دیدار یهودی هم می‌رفتند^[۸۳] به دور است. به همین جهت امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: بیماران غیر شیعه را عیادت کنید.^[۸۴] مگر این‌که امیدی به اصلاح او نباشد.

۹ - پانویس

[ویرایش]

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۱۹، دار صادر، بیروت.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۱.
۳. راوندی، قطب‌الدین، الدعوات، ص ۹۸، انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف).
۴. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۷.
۵. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۲۴۰، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران.
۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد، ص ۱۰۵.
۷. صالحی دمشقی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۸، ص ۳۵۱.
۸. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۱۵۹.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۷۴، ص ۲۳۶.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹، حدیث ۲.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۷۱، ص ۲۲۲.

١٢. ↑ صدوق، محمد بن علي، امالي صدوق، ص ٨٤، مجلس ٩، حديث ٢.
١٣. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٢، ص ١٧١، اسلاميه، تهران.
١٤. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ بيروت، ص ٣٥٩.
١٥. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ بيروت، ص ٣٦١.
١٦. ↑ مجلسي، محمداقبر، بحارالانوار، چاپ بيروت، ج ٨١، ص ٢٢٥.
١٧. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنزالعمال، ج ٩، ص ٩٩، حديث ٢٥١٢٥.
١٨. ↑ شريف رضى، محمد بن حسين، المجازات النبويه، ص ٣٨٠.
١٩. ↑ بلخي، محمد، مثنوى معنوى، دفتر دوم، ص ٣٠٠.
٢٠. ↑ امام سجاد (عليه السلام)، صحيفه سجاديه، دعای ٢٦، ص ١٢٤.
٢١. ↑ قمی، شيخ عباس، سفينة البحار، ج ٨، ص ٥٦.
٢٢. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ بيروت، ص ٣٦٠.
٢٣. ↑ بلخي، محمد، مثنوى معنوى، دفتر دوم، ص ٣٠٠-٣٠١.
٢٤. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٣، ص ١٢٠.
٢٥. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٠.
٢٦. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٣، ص ١٢٠.
٢٧. ↑ فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ١، ص ٣٧٢.
٢٨. ↑ صدوق، محمد بن علي بن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٤٠، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٩. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٣، ص ١١٧.
٣٠. ↑ شعيري، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ١٦٤، انتشارات حيدرية، نجف اشرف.
٣١. ↑ طوسى، محمد بن حسن، الامالى، ص ٦٢٩، دار الثقافة، قم.
٣٢. ↑ فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ص ١١٧٦.
٣٣. ↑ طوسى، محمد بن حسن، الامالى، ص ٦٣٠.
٣٤. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٤.
٣٥. ↑ شعيري، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ١٦٤.
٣٦. ↑ راوندى، قطب الدين، الدعوات، ص ٢٧٧، انتشارات مدرسه امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف).
٣٧. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٠.
٣٨. ↑ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن ابى داود، ج ٣، ص ١٨٥.
٣٩. ↑ راوندى، قطب الدين، الدعوات، ص ٢٢٠.
٤٠. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، ص ٣٥١.
٤١. ↑ طوسى، محمد بن حسن، الامالى، ص ٢٢٨.
٤٢. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٥.
٤٣. ↑ مجلسي، محمداقبر، بحارالانوار، چاپ بيروت، ج ٨١، ص ٢٢٤.
٤٤. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ بيروت، صفحه ٣٦١.
٤٥. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٣، ص ١١٧.
٤٦. ↑ ابن فهد حلي، احمد بن محمد، عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ١٢٦، دار الكتب الاسلامي.
٤٧. ↑ صدوق، محمد بن علي بن بابويه، الامالى، ص ٥١٦.
٤٨. ↑ كوفى اهوازى، حسين بن سعيد، المؤمن، ص ٥٤، مؤسسة الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف).
٤٩. ↑ مقرئى، تقى الدين، امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع، ج ٧، ص ٣٨٦، دار الكتب العلمية.
٥٠. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٦٤٣، باب ١٧.
٥١. ↑ طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ بيروت، ص ٣٦١.
٥٢. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٣، ص ١١٨.
٥٣. ↑ مجلسي، محمداقبر، بحارالانوار، چاپ بيروت، ج ٨١، ص ٢٢٤.
٥٤. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنزالعمال، ج ٩، ص ٩٧، حديث ٢٥١٥٧.

۵۵. ↑ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۶۳۹.
۵۶. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۲.
۵۷. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ بیروت ص ۳۶۰.
۵۸. ↑ حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۱۳.
۵۹. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۲.
۶۰. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ بیروت ص ۳۶۰.
۶۱. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، صفحه ۳۶۱.
۶۲. ↑ ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۲۰۰.
۶۳. ↑ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۶۳۹.
۶۴. ↑ ویرجینیایی ریچموند، جیمزسی. مک کروسکی، رفتار غیر کلامی، ص ۲۸۹، (ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژبلا عبدالله پور).
۶۵. ↑ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال ذهبی، ج ۳، ص ۷.
۶۶. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۵۹.
۶۷. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۶۰.
۶۸. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۶۰.
۶۹. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۲.
۷۰. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۸۱، ص ۲۲۵.
۷۱. ↑ ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ص ۴۶۱.
۷۲. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۱۸.
۷۳. ↑ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۶۱.
۷۴. ↑ ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۲۰۰.
۷۵. ↑ ابوحنیفه، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۸.
۷۶. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۷۸، ص ۲۲۸.
۷۷. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۱۱۷.
۷۸. ↑ هروی، محمد بن یوسف، بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)، ص ۱۹۰، انتشارات جلال الدین، تهران، چ اول، ۱۳۸۷ش.
۷۹. ↑ هروی، محمد بن یوسف، بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)، ص ۱۷۰.
۸۰. ↑ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۷.
۸۱. ↑ متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳.
۸۲. ↑ شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۵۰.
۸۳. ↑ ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۱۵۹.
۸۴. ↑ برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۱، ص ۱۸، دارالکتب الاسلامیه، قم.